



5 فبروری 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

## "یک بام و دو هوا!"

احمد نادر نادری یکی از جوانان پرکار، دانشمند و با قضاوت آزاد است که خوشبختانه در نظام موجود کشور از اداره حامد کرزی تا حال متکفل وظایف بس مهم بوده و در هر وظیفه مثل یک ستاره درخشیده و کارنامه های شفاف و وطن دوستانه را صادقانه از خود بروز داده و کوشیده تا حد توان از بیان حقایق دریغ نکند. امروز هم یک نمونه دیگر صداقت و حقگوئی او را طی یک نوشته دیگرش میتوان از نظر گذشتاند که بطور مستند از جریان سومین دور مذاکرات صلح با نمایندگان طالبان که در زمستان 1391 در حومه پاریس برگزار گردیده بود و در آن عده از شخصیت های افغانی اشتراک کرده بودند، در روزنامه هشت صبح به نشر رسیده است.

در این نوشته او از عکس العمل حامد کرزی رئیس جمهور وقت یاد میکند که از اشتراک این عده در آن گردهمایی به شدت انتقاد کرد و اشتراک در جلسات بعدی این سلسله بحثها را غیرقانونی و ممنوع اعلان نمود و گفت: «برای مردم افغانستان جای برگزاری چنین نشستها و گفتگوها افغانستان است. اگر طالبان است و یا دیگران است و اگر اپوزیسیون است و دیگر طرفداران حکومت است، آرزو داریم که این مذاکرات در افغانستان صورت بگیرد.» همچنان داکتر رنگین دادفر سپینتا - آنوقت مشاور امنیت ملی، این نوع نشستها را علیه منافع ملی و در تضاد با روند دولت سازی افغانستان و مخالف قانون اساسی کشور دانست.

اما وقتی منافع حامد کرزی در میان باشد، آنوقت دماغش چپه فیر میکند، نه تنها خودش به سفری میرود که به گفته داکتر سپینتا «علیه منافع ملی و در تضاد با روند دولت سازی و مخالف قانون اساسی» است، بلکه ضمن ارسال یک نامه به وزارت امور خارجه افغانستان به تعداد 19 نفر همراهم شناخته شده خود را نیز بر آن علاوه میکند و از ریاست تشریفات وزارت امور خارجه میخواهد که او و همراهمش را بطور شایسته رسماً پذیرائی و تسهیلات معمول هیئت های رسمی را برای شان فراهم سازد. نوشتن نامه رسمی از دفتر او با مهر و نشان "دولت جمهوری اسلامی افغانستان" یک عمل فرا قانونی و غیر معمول جهان بوده و موجب پیگرد قانونی محسوب میشود، زیرا رئیس جمهوری اسبق با وجود داشتن امتیازات رسمی مادی، از نظر قانونی یک فرد عادی محسوب میشود و حق ندارد از لوگوی رسمی دولت برای امور شخصی استفاده نماید و بدینوسیله برای خود و حواریون خود موقف یک دولت را در داخل دولت به نمایش بگذارد.

از آنجائیکه کرزی و مشاور امنیت ملی او در آنوقت اشتراک یک تعداد نخبگان سیاسی را در چنین نشستها علیه منافع ملی و در تضاد با روند دولت سازی و مخالف قانون اساسی دانسته اند، چگونه حالا به خود حق داده اند که اشتراک خود و عده ای از یاران خود و نیز تعدادی از "قدرت افتادگان" را وجه قانونی داده، مبین منافع ملی پنداشته و رسماً به مسکو بروند و با نمایندگان طالبان دیدار و گویا در باره صلح که وظیفه اصلی دولت افغانستان میباشد، مذاکره نمایند؟ آیا اینکار او و تعداد دیگر یک نوع سبوتاز علنی و آشکار در برابر نظام نمیباشد؟

بهر حال جا دارد که همان قول معروف را در این ارتباط خاطر نشان سازم که گفته اند:

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

قربان شوم خدا را یک بام و دو هوا را

برای شرح مزید این گفتار توجه را به نوشته جناب احمد نادر نادری تحت عنوان "به مسکو نروید!" جلب میدارم که چند ساعت قبل در روزنامه وزین هشت صبح بدست نشر سپرده است. این شما و این نقل نوشته او:

## به مسکو نروید!

هشت صبح - دوشنبه، ۱۵ دلو ۱۳۹۷

احمد نادر نادری، رییس کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی

زمستان ۱۳۹۱، دور سوم بحث‌های صلح با نمایندگان طالبان و حزب اسلامی در شانتهیلی، ناحیه‌ای در حومه‌ی پاریس راه‌اندازی شد. این سلسله از بحث‌ها از سوی بنیاد پژوهش‌های استراتژیک فرانسه به همکاری دولت این کشور راه‌اندازی شده بود و در آن، اعضا و نمایندگان بلندیپایه‌ی جریان‌های سیاسی افغانستان چون محمدمحقق، احمدضیاء مسعود، علی‌احمد جلالی، حاجی دین‌محمد، محمدرحیف اتمر، همایون‌شاه آصفی، محمدیونس قانونی، فرخنده زهرا نادری، ریدا عظیمی، فیض‌الله ذکی، نورالحق علومی و عبدالسلام ضعیف شرکت کرده بودند. ملا شهاب‌الدین دلاور و محمدنعیم وردگ به نمایندگی از طالبان و کریم امین و غیرت بهیر به نمایندگی از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار حضور داشتند. به نمایندگی از جامعه‌ی مدنی، من و حکمت خلیل کرزی در آن نشست‌ها شرکت کرده بودیم.

در آن زمان، بر اساس تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد، نمایندگان طالبان اجازه‌ی سفر به کشورها را نداشتند و برای نخستین بار، فرانسه اجازه‌ی سفر دو نماینده‌ی طالبان از پاکستان به پاریس و برعکس آن را از شورای امنیت سازمان ملل متحد گرفته بود. بعداً آشکار شد که پاکستان برخلاف تحریم‌ها، سفر نمایندگان طالبان را به قطر تسهیل کرده است. نمایندگان طالبان در آن زمان مجبور شدند که از قطر دوباره به پاکستان برگردند و رسماً به پاریس سفر کنند.

دو نکته‌ی قابل توجه در نشست پاریس

۱ - نمایندگان طالبان با پررویی تمام به همه‌ی هست و بود افغانستان پساتالبان می‌تاختند، قانون اساسی را نمی‌پذیرفتند، به قوای دفاعی کشور بهایی نمی‌دادند، ارزش‌های حقوق بشر را بیگانه می‌خواندند و جمهوریت را که مردم ما با اراده‌ی آزادشان ساخته‌اند، به نفرین و حمله می‌گرفتند. جالب این‌جا است که هیچ یک از آن شخصیت‌های دور میز، به شمول نماینده‌ی حکومت آن زمان، به دفاع از افغانستان جدید نمی‌پرداخت بلکه هم‌نوا با طالبان، حکومت رییس جمهور کرزی را به حمله می‌گرفتند. در آن میان اما من، با قاطعیت و همه‌جانبه از نظام و اراده‌ی آزاد ملت برای یک افغانستان نوین، به شمول حقوق شهروندی و مساوات زن و مرد، دفاع کردم. (Time Magazine, Jan 22, 2013)

۲ - نکته‌ی مهم این بود که پس از پایان مجلس، رییس جمهور کرزی علیه این کنفرانس، واکنشی سخت نشان داد. دوست گران‌ارج من، دکتر رنگین دادفر سپینتا، مشاور امنیت ملی‌شان، این نوع نشست‌ها را علیه منافع ملی و در تضاد با روند دولت‌سازی افغانستان و مخالف قانون اساسی کشور دانستند. رییس جمهور کرزی اشتراک در جلسات بعدی این سلسله بحث‌ها را غیرقانونی و ممنوع

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

اعلان کرد. آقای کرزی درباره‌ی این نشست به رسانه‌ها گفت: «برای مردم افغانستان جای برگزاری چنین نشست‌ها و گفت‌وگوها افغانستان است. اگر طالبان است و یا دیگران است و اگر اپوزیسیون است و دیگر طرفداران حکومت است، آرزو داریم که این مذاکرات در افغانستان صورت بگیرد.»

اگرچه این مجالس خصوصیت گفت‌وگوهای رسمی صلح را نداشت و بیش‌تر و به ظاهر، خصوصیت بحث‌های اکادمیک را داشت، اما به دلیل این‌که طالبان از آن فرصت‌ها برای بلند بردن وجهه‌ی بین‌المللی‌شان و یک سکوی تبلیغاتی استفاده می‌کردند و از آنجایی که بحث‌های غیررسمی با یک گروه که علیه مردم و نظام افغانستان می‌جنگید و با گروه‌های هراس‌افکن ارتباط تنگاتنگ داشت، بدون حضور و تأیید حکومت افغانستان، به مقوله‌ی پیش‌کش‌شده از طرف پاکستان (گفت‌وگوهای رهبری‌شده توسط افغان‌ها و میان افغان‌ها) که بر اصل تضعیف نظام و تفرقه‌اندازی میان نخبه‌گان سیاسی فرصت‌طلب استوار است قوت می‌بخشید، من نیز در تغییر شیوه‌ی برگزاری این بحث‌ها، با حکومت موافق بودم و از موقف‌شان حمایت کردم. زیرا پاکستان از طریق افزار دست خود (گروه طالبان) در صدد کوچک‌سازی و تقلیل دولت - ملت در حد یک گروه و ارتقای آن گروه به ضرر حکومت قوی بود و هنوز به این سیاست ادامه می‌دهد.

در آن زمان، مانند امروز، نیاز بود که گفت‌وگوها به نیابت مردم افغانستان و بر اساس اجماع‌شان به رهبری حکومت، در میان افغان‌ها با راهکار ما افغان‌ها و حمایت و هم‌آهنگی شرکای بین‌المللی‌مان می‌بود و امروز نیز باید چنین باشد.

گفته می‌شود که حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین و شماری از رهبران سیاسی کشور، سه شنبه آینده در اجلاس مسکو با طالبان شرکت می‌کنند. این نه‌تنها که دورنگی و سیاست خودمحور را که بر آنان نسبت داده می‌شود ثابت می‌کند، بل‌که دوراندیشی یک رهبر ملی را که منافع بزرگ کشور را به رفتن به مسکو ترجیح بدهد، تمثیل نخواهد کرد.

جمهوریت افغانستان به قیمت بزرگ قربانی هزاران قهرمان نامدار و گمنام این ملت و بر مبنای قانون اساسی بنا نهاده شده و نیازمند حمایت همه در یک صف واحد است. دیدگاه‌های متفاوت در پالیسی‌های حکومت ما و اختلاف بعضی از سیاستیون با روش حکومت‌داری رییس‌جمهور غنی بر مبنای هنجارهای ضمانت‌شده‌ی قانون اساسی یک حق است، اما حفاظت از اصول و ارزش‌های قانون اساسی، حمایت و دفاع از نهادهای دولت این جمهوری مخصوصاً قوای امنیتی و دفاعی کشور و اداره‌ی ملکی غیر سیاسی که در ۱۷ سال گذشته بازسازی و به‌سازی شده‌اند، و نظامی را که حقوق و آزادی شهروندی هر یک ما را ضمانت می‌کند، یک الزام تاریخی و مکلفیت جمعی ما است. دولت و رییس‌جمهور برای دفاع از آن مصمم است و گمان می‌رود که شما نیز در این اصل با او به صورت طبیعی در یک صف باشید. پس بدین مقصد، به مسکو نروید!